

آموزش شایستگی‌ها و مهارت‌های کلیدی حین تحصیل از دیدگاه دانشجویان رشته‌های امداد و نجات و امداد و سوانح

(مطالعه موردی: مؤسسه علمی-کاربردی هلال

ایران)

فرزانه حاجی‌حیدری^۱، سمیرا سلیمانی^۲

۱. نویسنده مسئول: دکترای مدیریت آموزش، دانشگاه علوم تحقیقات، تهران، ایران.

Email: fheidary94@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، مؤسسه آموزش عالی علمی کاربردی هلال ایران، تهران، ایران.

دریافت: ۹۵/۲/۱۰ پذیرش: ۹۵/۵/۱۹

مقدمه: خلق یک نظام آموزشی که قابلیت تربیت افراد برای زیستن در جهانی متغیر را داشته باشد از اولویت‌های جامعه مدرن است. بر این اساس دانشگاه‌ها نقش‌های جدیدی را غیر از آموزش صرفاً تخصصی و رشته‌ای عهده‌دار شده‌اند که از جمله مهم‌ترین آنها آموزش شایستگی‌ها و مهارت‌های کلیدی به منظور انطباق با شرایط پیچیده کنونی است. هدف اصلی این پژوهش، بررسی نگرش دانشجویان مؤسسه علمی کاربردی هلال ایران در مورد آموزش شایستگی‌ها و مهارت‌های کلیدی در طول دوران تحصیل و از محیط دانشگاه است. **روش:** پژوهش حاضر از نظر اهداف کاربردی، از نظر روش گردآوری داده‌ها توصیفی-پیمایشی بوده است. جامعه آماری شامل تمامی دانشجویان رشته‌های کاردانی و کارشناسی امداد و نجات و امداد و سوانح مؤسسه آموزش عالی علمی کاربردی هلال ایران تشکیل داده است. با بهره‌گیری از فرمول کوکران، حجم جمعیت جامعه نمونه ۲۲۸ نفر برآورد

گردید که ۲۰۹ نفر به پرسشنامه پاسخ داده‌اند. برای انتخاب نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای استفاده گردید. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه ۵۰ سؤالی محقق‌ساخته بود که پس از تأیید روایی محتوایی پرسشنامه توسط ۴ نفر از متخصصان مدیریت آموزشی و تعیین مقدار پایایی با استفاده از آلفای کرونباخ (۰/۸۲)، پرسشنامه‌ها تکمیل شد. اطلاعات به‌دست آمده پس از ورود در نرم‌افزار SPSS-۱۵، با استفاده از آزمون t تک نمونه‌ای و t گروه‌های مستقل تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش بیانگر آنست که امتیاز تمامی شاخص‌های شایستگی‌ها و مهارت‌های کلیدی از میانگین پایه کمتر و با اختلاف معنی‌دار بوده است. از دیدگاه دانشجویان شرکت‌کننده در پژوهش، توجه به آموزش ابعاد چهارگانه شایستگی‌ها و مهارت‌های کلیدی در وضعیت مطلوبی قرار ندارد و پایین‌تر از حد متوسط است. نتایج آزمون t دو گروه مستقل برای بررسی دیدگاه‌های دانشجویان سال‌های اول و دوم و سال سوم و چهارم نشان داد که بین دو گروه در هیچ‌یک از متغیرها تفاوت معناداری وجود ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج از نظر دانشجویان آموزش‌های دریافتی و محیط دانشگاه نتوانسته نقش قابل‌قبول و مؤثری در پرورش شایستگی‌ها و مهارت‌های کلیدی داشته باشد. این درحالیست که ماهیت رشته‌های مذکور به شکلی است که دانش‌آموختگان برای کسب موفقیت شغلی و ایفای نقش در مشاغل مرتبط نیازمند به‌کارگیری

این مهارت‌ها در کنار تخصص کسب شده می‌باشند. لذا مدیران آموزشی و مسئولان برنامه‌ریزی باید نسبت به تجدید نظر بر شیوه برگزاری دوره‌ها اهتمام نمایند.

کلمات کلیدی: شایستگی و مهارت کلیدی، آموزش عالی، آموزش علمی - کاربردی.

مقدمه

عصر حاضر، عصر مهارت آموزی و مهارت ورزی است. در همایش بین المللی یونسکو در سال ۲۰۰۴ ماحصل دیدگاه‌ها نشان‌دهنده گرایش جهانی به لزوم آموزش همزمان مهارت‌های کلیدی و تخصصی بود و براساس بیانیه نهایی در برنامه‌های آماده‌سازی نیروی انسانی برای کار باید افراد را به دانش، صلاحیت‌ها، مهارت‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌هایی مجهز کند که موجب شوند، آنان به شهروندانی کارآمد و مسئولیت‌پذیر تبدیل شوند و از تأثیر کیفیت کار و کمک آن به توسعه پایدار جامعه آگاه باشند. [۱]

آموزش به معنی هرگونه فعالیت یا تدبیر از پیش تعیین شده است که با هدف ایجاد یادگیری در فراگیران و ایجاد تغییرات لازم در رفتار آنها طراحی و اجرا می‌شود. [۲]

مهارت عبارتست از توانایی پیاده‌سازی علم در عمل و از راه تکرار کاربرد دانش در محیط واقعی به دست آمده و توسعه می‌یابد. توسعه مهارت منجر به بهبود کیفیت عملکرد می‌شود. بدون آن، در بسیاری از موارد، معلومات، منشاء، تأثیر زیادی نخواهند بود. برای مثال هیچ مدیری بدون به‌کارگیری و تجربه

کردن اصول کار تیمی در عمل، نمی‌تواند مهارت کار تیمی را با مطالعه کسب کند. [۳]

در ادبیات موجود برای اشاره به مفهوم «مهارت‌های پایه» از مفاهیم مترادفی نظیر «مهارت‌های کلیدی مرتبط با دنیای کار»، «مهارت‌های اصلی»، «مهارت‌های غیرفنی» و «شایستگی‌های کلیدی» استفاده شده است که مفهوم این مهارت‌ها در همه منابع کاملاً یکسان نیست، ولی تفاوت در تعاریف هم چندان بارز نیست. در همه منابع بر چند مهارتی بودن، انعطاف‌پذیری و سازگاری تأکید شده است. مهارت‌های پایه یا شایستگی‌های کلیدی، مهارت‌های قابل انتقالی هستند که کسب آنها برای اشتغال در سطوح مختلف برای افراد ضروری است. [۴]

درواقع، مهارت‌های پایه و شایستگی‌های عمومی شالوده مهارت‌های فنی و حرفه‌ای را تشکیل می‌دهند. این مهارت‌ها معطوف به توانایی کاربرد تلفیقی دانش‌ها و مهارت‌ها در موقعیت‌های واقعی کسب و کار است و کسب آنها برای توانایی کاربرد در موقعیت‌های واقعی و مشارکت مؤثر در دنیای کار و اشکال نوظهور مشاغل، اساسی تلقی می‌شود. آموختن چنین مهارت‌هایی برای توفیق در هر شغلی ضروری است. [۵]

مطالعات کارشناسان حاکی از آن است که نتیجه توجه و تمرکز بیش از حد به آموزش تخصصی و رشته‌ای در مدرسه و دانشگاه غفلت از پرورش مهارت‌ها و شایستگی‌های کلیدی در افراد را در پی داشته است. این مطالعات ثابت می‌کند که در نظام‌های آموزشی که افراد صرفاً در بعد مهارت‌های

بخشی از مهارت‌ها همان مهارت‌های کلیدی است.

[۷]

برخورد مناسب با حوادث و سوانح و انجام عملیات سریع و صحیح امداد و نجات از نیازهای جوامع امروزی است و تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص برای سازمان‌های امدادی چون هلال‌احمر، شهرداری، آتش‌نشانی، اورژانس امر خطیری است که مؤسسه علمی کاربردی هلال ایران با درک این ضرورت اقدام به تأسیس دوره‌های آموزشی امداد و نجات نموده و تاکنون بیش از ۱۸۰۰ نفر دانش‌آموخته را تربیت نموده است. به دلیل ماهیت حرفه‌های مرتبط با این دوره‌ها، دانش‌آموختگان آن باید برای ادامه کار و یا احراز شغل مرتبط با رشته تحصیلی بتوانند آمیخته‌ای از مهارت‌های حرفه‌ای و عمومی را توأمان به‌کارگیرند. به عنوان مثال شرکت در عملیات امداد در حوادث طبیعی مانند زلزله نیازمند دانش تخصصی چگونگی مواجهه با این دست حوادث و در کنار آن تسلط و به‌کارگیری صحیح مهارت‌های کلیدی چون رهبری، مشارکت درکار گروهی، حل مسئله، تصمیم‌گیری، پیش‌بینی شرایط، قابلیت انجام کار تحت فشار و... می‌باشد.

بر این اساس از مؤسسات آموزش عالی که در این حوزه دانشجو تربیت می‌کنند انتظار می‌رود که علاوه بر درس تخصصی، مهارت‌های کلیدی را در چارچوب برنامه‌های درسی رسمی و پنهان، شرایط محیط دانشگاه، نحوه تدریس استادان، کارگاه‌های عملی، اردوهای دانشجویی و... آموزش دهند.

تخصصی و حرفه‌ای رشد داده می‌شوند، موفقیت آنها برای کسب شغل و استمرار جایگاه شغلی و اجتماعی‌شان مورد تردید می‌باشد [۶]. چرا که اگر نتواند دانش کسب شده را با چاشنی مهارت‌هایی چون خلاقیت، حل مسئله، ارتباط و تعامل اجتماعی و... همراه نماید هرچند هم که دارای تخصص باشد نمی‌تواند از این دانش به شکل شایسته استفاده نماید. در واقع، مهارت‌های کلیدی از دوران کودکی تا بزرگسالی باید همیشه در آموزش‌های رسمی و غیر رسمی دیده شود و این مهارت‌ها به منزله ابزار کار فرد متخصص می‌باشد.

از طرفی نظام‌های آموزش عالی برای اجتناب از آموزش‌های غیر کاربردی، گرایش به سمت آموزش‌های علمی-کاربردی پیدا کردند تا بتوانند آموزش‌هایی را ارائه دهند که در آن ایجاد مهارت‌های تخصصی و حرفه‌ای و نیز ارتقای مهارت شاغلان مدنظر قرار گیرد. دوره‌های مذکور به شرطی موفق خواهد بود که دانش‌آموخته بتواند هر دو گروه مهارت‌های کلیدی و تخصصی را در حیطه عمل به کارگیرد.

نتایج پژوهش سعیدی‌رضوانی و تقی بینقی (۱۳۹۰) حاکی از بی‌توجهی دستگاه‌های سیاست‌گذار و مجری آموزش‌های علمی کاربردی به اهداف این دوره‌ها (به ویژه هدف خوداشتغالی)، عدم تبعیت مجریان از الگوهای مناسب نیازسنجی در شناسایی دوره‌ها و نیز بی‌توجهی برنامه‌ریزان به الگوهای طراحی برنامه درسی مهارت‌محور است. حال آنکه

دوره‌های آموزشی و کم‌توجهی به مکانیزم‌های انگیزشی در فرایند آموزش می‌باشد. [۱۰]

دهقانی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی به نیازسنجی آموزشی و تدوین برنامه آموزشی با استفاده از مدل دیکوم^۲ پرداخته و بیان داشتند که با توجه به اهمیت، دشواری و تکرار وظایف و همچنین لیست دانش، مهارت‌ها و رفتارهای ویژه شغل و بررسی برنامه‌های آموزشی مدیران در سایر کشورها، برنامه آموزشی باید مشتمل بر مهارت‌ها، اهداف، محتوا، شیوه اجرا و نحوه ارزشیابی تهیه و تدوین گردد. [۱۱]

براین اساس مقاله حاضر درصدد شناسایی چگونگی وضعیت نگرش دانشجویان در مورد وضعیت آموزش مهارت‌های کلیدی حین تحصیل می‌باشد و برای پاسخ به این مسئله به بررسی میزان توجه به آموزش ابعاد مهارت‌ها و شایستگی‌های کلیدی نموده است. که این ویژگی‌ها در ۴ بُعد اصلی شامل: شایستگی‌ها و مهارت‌های عقلانی، شایستگی‌ها و مهارت‌های فردی، شایستگی‌ها و مهارت‌های بین فردی، شایستگی‌ها و مهارت‌های مدیریتی بررسی شده است.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر اهداف کاربردی، از نظر روش گردآوری داده‌ها توصیفی - پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش حاضر را تمامی دانشجویان رشته‌های کاردانی و کارشناسی امداد و نجات و امداد و سوانح مؤسسه آموزش عالی علمی کاربردی هلال ایران

این پژوهش در نظر دارد که نگرش و تحلیل دانشجویان امداد و نجات و امداد و سوانح را از میزان آموزش مهارت‌های کلیدی در طی دوره تحصیل مورد سنجش قرار دهد. براین اساس نتایج پژوهش می‌تواند به مدیران، برنامه ریزان و استادان این رشته‌ها کمک نماید که اولاً تحلیلی را از وضع موجود داشته و با آگاهی از ضعف‌های موجود برای برطرف نمودن نقایص احتمالی برنامه‌ریزی نمایند. وکسلی و لاتمن^۱ (۲۰۰۲) در تحقیق خود با عنوان «توسعه و آموزش منابع انسانی در سازمان‌ها» استدلال کرده اند که آموزش‌های توسعه‌ای و مهارتی می‌تواند سطح خودآگاهی افراد را بهبود بخشیده و انگیزش و تسلط افراد را برای کار بیشتر نماید. بر این اساس این آموزش‌ها نقش پررنگ‌تری در پاسخ گویی به نیازهای یادگیری افراد و نیز ضرورت‌های راهبردی سازمان ایفا می‌کند. [۸]

گالووی و همکاران (۲۰۰۵) دریافتند که آموزش‌های کارآفرینی بر افزایش مهارت‌های دانشجویان در خلاقیت، توانایی، اعتماد به نفس و مهارت‌های ارتباطی و مدیریتی تأثیر معنادار دارد. [۹]

پورکریمی و قاضی (۱۳۹۱)، در پژوهشی با عنوان «نظام جامع آموزش: الگویی برای آموزش‌های تخصصی جمعیت هلال‌احمر» دریافتند که آسیب‌های موجود در فرایند آموزش‌های تخصصی هلال‌احمر شامل بی‌توجهی به ساز و کارهای طراحی برنامه‌های آموزشی، اجرای نامناسب دوره‌های آموزشی، عدم نظارت و ارزشیابی نظام‌مند

^۲ Developing a Curriculum (DACUM)

^۱ Wexley and Lathan

تشکیل داده است که تعداد آنها در سال تحصیلی ۹۴-۹۵ بر اساس آمار آموزش ۵۶۰ نفر می‌باشد.

روش نمونه‌گیری این پژوهش طبقه‌ای است. تعداد نمونه با بهره‌گیری از فرمول کوکران با $d=5000$ ، $p=500$ و $q=95$ درصد محاسبه شده است. با توجه به حجم جامعه آماری که آن ۵۶۰ نفر می‌باشد، تعداد افراد نمونه در این تحقیق ۲۲۸ نفر است که از بین ۲۰۹ پرسشنامه پاسخ داده شده قابل استفاده بوده است.

داده‌های پژوهش حاضر به وسیله یک پرسشنامه ۵۰ سؤالی محقق ساخته به دست آمد. این پرسشنامه با مقیاس لیکرت با گزینه‌های بسیار زیاد (۵)، زیاد (۴)، متوسط (۳)، کم (۲) و بسیار کم (۱) اندازه‌گیری شد. برای تعیین پایایی، ابتدا پرسشنامه اولیه روی نمونه مقدماتی به تعداد ۳۵ نفر از نمونه آماری بررسی و میزان آلفای کرونباخ $0/82$ به دست آمد که این نشان‌دهنده همبستگی دورنی بین سئوال‌های پرسشنامه است. همچنین روایی محتوای پرسشنامه توسط ۴ نفر از متخصصان و مدیران آموزشی بررسی شد که پس از انجام ۳ مرحله ویرایش و تدوین و اعمال نظر متخصصان نهایتاً پرسشنامه ۴۰ سئوالی به دست آمد. ۴ سؤال اول در مورد اطلاعات فردی دانشجویان شامل سن، جنسیت، سال تحصیلی و سوابق کاری مرتبط با رشته تحصیلی است و سئوال‌های بعدی برای پاسخ سئوال‌های فرعی تحقیق

طراحی شد، بدین شکل که هر ۹ سؤال پرسشنامه یکی از متغیرهای پژوهش را اندازه‌گیری می‌کند. داده‌های حاصل از اجرای پرسشنامه پس از ذخیره‌سازی در بسته نرم‌افزاری SPSS-۱۵ تجزیه و تحلیل شد. در تجزیه و تحلیل داده‌ها علاوه بر روش‌های مرسوم آمار توصیفی (فراوانی و درصد) از روش‌های آماری موسوم به t تک نمونه‌ای برای مقایسه میانگین محاسبه شده با میانگین پایه معادل ۳ و آزمون t مستقل برای مقایسه امتیاز سئوال‌ها در دو گروه استفاده گردید.

یافته‌ها

نتایج نشان داد، ۶۲ درصد از پاسخ‌دهندگان را مردان و ۳۸ درصد را زنان تشکیل داده‌اند. از این بین، ۳۹ درصد سابقه شغلی مرتبط با رشته تحصیلی، ۳۳ مشاغل غیرمرتبط و ۲۸ درصد بدون شغل داشتند. همچنین بیشترین فراوانی مربوط به دانشجویان سال سوم و چهارم و کمترین فراوانی مربوط به دانشجویان سال اول و دوم می‌باشد. یافته‌های تحلیلی این مطالعه در مورد نگرش دانشجویان نسبت به یادگیری مهارت‌های کلیدی از طریق دانشگاه در ۴ سؤال جزئی بررسی شد که به شرح جدول زیر است:

جدول شماره ۱: نتایج آزمون t تک نمونه‌ای، میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش

ابعاد شایستگی‌ها و مهارت‌های کلیدی	میانگین پایه	میانگین	انحراف معیار	t	سطح معناداری
شایستگی‌ها و مهارت‌های کلیدی عقلانی	۳	۲/۸۶	۰/۹۰	-۵/۹۸۹	<۰/۰۵
شایستگی‌ها و مهارت‌های کلیدی فردی	۳	۲/۳۴	۰/۷۶	-۸/۸۷۷	<۰/۰۵
شایستگی‌ها و مهارت‌های کلیدی بین فردی	۳	۲/۴۷	۰/۷۹	-۶/۲۴۶	<۰/۰۵
شایستگی‌ها و مهارت‌های کلیدی مدیریتی	۳	۲/۲۸	۰/۸۴	-۷/۶۹۱	<۰/۰۵

جدول شماره ۲: مقایسه میانگین امتیاز ابعاد شایستگی‌ها و مهارت‌های کلیدی به تفکیک سال تحصیلی

ابعاد شایستگی‌ها و مهارت‌های کلیدی	سال تحصیلی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	سطح معناداری
شایستگی‌ها و مهارت‌های کلیدی عقلانی	سال اول و دوم	۹۰	۲/۳۴	۰/۷۴	-۰/۳۰۴	۰/۳۹۷
	سال سوم و چهارم	۱۱۹	۲/۳۳	۰/۹۳		
شایستگی‌ها و مهارت‌های کلیدی فردی	سال اول و دوم	۹۰	۲/۵۴	۰/۷۱	-۰/۷۸۰	۰/۹۴۵
	سال سوم و چهارم	۱۱۹	۲/۸۶	۰/۸۱		
شایستگی‌ها و مهارت‌های کلیدی بین فردی	سال اول و دوم	۹۰	۲/۵۶	۰/۸۶	-۰/۸۵۰	۰/۴۵۶
	سال سوم و چهارم	۱۱۹	۲/۷۸	۰/۸۸		
شایستگی‌ها و مهارت‌های کلیدی مدیریتی	سال اول و دوم	۹۰	۲/۶۸	۰/۹۰	-۰/۹۰۶	۰/۳۱۰
	سال سوم و چهارم	۱۱۹	۲/۴۵	۰/۸۳		

به مهارت‌های فردی در وضعیت مطلوبی قرار ندارد و پایین تر از متوسط است.

بررسی میزان توجه به مهارت‌های بین فردی بیانگر آن است که مقدار t مشاهده شده (-۶/۲۴۶) در سطح ۰/۰۵ معنادار است. بدین ترتیب، فرضیه صفر مبنی بر نبود تفاوت بین میانگین نمونه و میانگین مبنار د می‌شود و با توجه به میانگین ۲/۴۷ می‌توان نتیجه گرفت که توجه به آموزش شایستگی‌ها و مهارت‌های بین فردی در وضعیت مطلوبی قرار ندارد و پایین تر از متوسط است. داده‌های بررسی شده در مورد میزان توجه به مهارت‌های مدیریتی بیانگر آن است که مقدار t مشاهده شده (-۷/۶۹۱) در سطح ۰/۰۵ معنادار است. بدین ترتیب فرضیه صفر مبنی بر نبود تفاوت بین میانگین نمونه و

بررسی میزان توجه به مهارت‌های عقلانی (جدول شماره ۱) بیانگر آن است که مقدار t مشاهده شده (-۵/۹۸۹) در سطح ۰/۰۵ معنادار است. بدین ترتیب فرضیه صفر مبنی بر نبود تفاوت بین میانگین نمونه و میانگین مبنار د می‌شود، و با توجه به میانگین ۲/۸۶ می‌توان نتیجه گرفت که توجه به آموزش شایستگی‌ها و مهارت‌های عقلانی در وضعیت مطلوبی قرار ندارد و پایین تر از متوسط است. داده‌های بررسی شده در مورد میزان توجه به مهارت‌های فردی بیانگر آن است که مقدار t مشاهده شده (-۸/۸۷۷) در سطح ۰/۰۵ معنادار است. بدین ترتیب فرضیه صفر مبنی بر نبود تفاوت بین میانگین نمونه و میانگین مبنار د می‌شود و با توجه به میانگین ۲/۳۴ می‌توان نتیجه گرفت که توجه

میانگین مبنا رد می‌شود و با توجه به میانگین ۲/۲۸ می‌توان نتیجه گرفت که توجه به مهارت‌های مدیریتی در وضعیت مطلوبی قرار ندارد و پایین‌تر از متوسط است.

نتایج آزمون t دو گروه مستقل برای بررسی دیدگاه‌های دانشجویان سال‌های اول و دوم و سوم و چهارم نشان داد که بین دو گروه در هیچ یک از متغیرها تفاوت معناداری وجود ندارد. (جدول شماره ۲)

به سخن دیگر، نتایج نشان داد، میانگین هر یک از ابعاد شایستگی‌ها و مهارت‌های کلیدی عقلانی، فردی، بین فردی و مدیریت در بین گروه سال‌های اول و دوم و گروه سال‌های سوم و چهارم از لحاظ آماری معنی‌دار نبوده است.

بحث

نتایج برخی از تحقیقات مدیریت نیروی انسانی نشان می‌دهد، علاوه بر مهارت فنی یا مهارت سخت، شایستگی‌ها و مهارت‌های کلیدی یا مهارت نرم برای داشتن شغل مناسب ضروری است. [۱۰] محیط آموزشی به ویژه دانشگاه جایست که آموزش‌گیرنده باید حین کسب تخصص این مهارت‌ها را به شکل هدفمند و برنامه‌ریزی شده دریافت کند. ضرورت پرداختن به مهارت‌ها و شایستگی‌های کلیدی برای رشته‌های دانشگاهی علمی-کاربردی دوچندان می‌باشد. این پژوهش به دنبال بررسی نظر دانشجویان در خصوص میزان کسب مهارت‌های کلیدی در محیط دانشگاه بوده است. به طورکلی نتایج حاصل از بررسی ابعاد

مختلف مهارت‌ها نشان می‌دهد از نظر شرکت‌کنندگان در پژوهش در بُعد شایستگی‌ها و مهارت‌های کلیدی عقلانی دانشگاه نسبت به پرورش مهارت‌هایی چون توانایی تجزیه و تحلیل مسائل و تصمیم‌گیری در شرایط خاص، توانایی طرح برنامه استراتژیک، ایجاد ظرفیت برای تفکر انتزاعی، توانایی و انگیزه برای آموزش دیگران، تصمیم‌گیری، تفکر سیستمی، خلاقیت و داشتن بینش و بصیرت برنامه‌ای نداشته است. این نتایج با یافته‌های گالووی و همکاران (۲۰۰۵) و احمدی (۱۳۸۵) همسو می‌باشد.

در بُعد مهارت‌های فردی وضعیت به نسبت بهتر بود، ولی در هر ۹ مهارت مرتبط مجموع امتیازها گزینه‌های بسیار زیاد و زیاد کمتر از ۳۸ درصد می‌باشد. این نتایج در راستای یافته‌های پژوهش پورکریمی و قاضی (۱۳۹۱) می‌باشد. بر این اساس برنامه‌های آموزشی و محیط دانشگاه نتوانسته در تقویت و انتقال مهارت‌هایی چون تطابق‌پذیری با شرایط، بلندهمتی و تمایل به بهبود عملکرد، بردباری و تدبیر امور، ایجاد تعادل و استواری، عمل صحیح در شرایط تحت فشار و اخلاق حرفه‌ای در حد قابل قبولی موفق باشد.

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که در بُعد توجه به آموزش مهارت‌های بین فردی تنها تقویت مهارت‌هایی چون حس تواضع و همدردی نتوانسته ۴۵ درصد از امتیاز را به خود اختصاص دهد و مواردی چون ارتباط کلامی و غیرکلامی، هوش

هیجانی و مهارت کارگروهی، مثبت نگری درصد کمتری را به خود اختصاص داده‌اند.

در بُعد مهارت‌های کلیدی مدیریت، شرکت کنندگان کمترین امتیازها را اختصاص داده و بر این اساس دانشگاه نتوانسته در آموزش مهارت‌هایی چون مذاکره، مهارت حل مسئله، رهبری، مدیریت تعارض‌ها، توانایی مربی‌گری و برانگیختن دیگران و داشتن چشم‌انداز سهم قابل قبولی را داشته باشد. این نتایج با یافته‌های دهقانی و همکاران (۱۳۹۳) همسو می‌باشد.

نتیجه‌گیری

به‌طور کلی نتایج پژوهش نشان داده است، از نظر دانشجویان آموزش‌های دریافتی و محیط دانشگاه نتوانسته نقش قابل قبول و مؤثری در پرورش شایستگی‌ها و مهارت‌های کلیدی داشته باشد. به طوری که در بُعد شایستگی‌ها و مهارت‌های کلیدی عقلانی پرورش مهارت‌هایی چون توانایی تجزیه و تحلیل مسائل و تصمیم‌گیری در شرایط خاص، طرح برنامه استراتژیک، تفکر سیستمی، خلاقیت مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. در بُعد فردی برنامه‌های آموزشی و محیط دانشگاه نتوانسته در تقویت و انتقال مهارت‌هایی چون تطابق‌پذیری با شرایط، بلند همتی و تمایل به بهبود عملکرد، تدبیر امور، ایجاد تعادل و استواری، عمل صحیح در شرایط تحت فشار و اخلاق حرفه‌ای در حد قابل قبولی موفق باشد. در بُعد مهارت‌های کلیدی بین فردی نیز توجه به مؤلفه‌هایی چون ارتباط کلامی و غیرکلامی، هوش هیجانی و مهارت کارگروهی، مثبت نگری درصد

کمی را به خود اختصاص داده‌اند. در بُعد مدیریتی، شرکت کنندگان کمترین امتیازها را اختصاص و بر این اساس دانشگاه نتوانسته در آموزش مهارت‌هایی چون مذاکره، حل مسئله، رهبری، مدیریت تعارض‌ها، توانایی مربی‌گری و برانگیختن دیگران و داشتن چشم‌انداز سهم قابل قبولی را داشته باشد. در حالیکه ماهیت رشته‌های مذکور به شکلی است که دانش‌آموختگان برای کسب موفقیت شغلی و ایفای نقش در مشاغل مرتبط نیازمند به‌کارگیری این مهارت‌ها در کنار تخصص کسب شده می‌باشند. لذا لازم است مدیران آموزشی و مسئولان برنامه‌ریزی نسبت به تجدید نظر بر شیوه برگزاری دوره‌ها اهتمام نمایند. محیط دانشگاه باید به گونه‌ای باشد که کمک نماید تا دانشجویان مهارت‌های کلیدی را بیاموزند. از طرفی نقش استادان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تا زمانی که استادان به نقش و وظیفه خود در قبال دانشجو آگاهی نداشته باشند و حتی خود ایشان دچار نقاط ضعف در به‌کارگیری مهارت‌های کلیدی باشند، نمی‌توان انتظار داشت که آن را به دانشجو انتقال دهند. بنابراین پیشنهاد می‌شود دوره‌های توانمندسازی استادان و کلاس‌های توجیهی در خصوص لزوم انتقال مهارت‌ها به دانشجو در چارچوب برنامه درسی آشکار و پنهان برگزار گردد. از طرفی انجام فعالیت‌های فوق برنامه و کارگاه‌های عملی نیز به تقویت و آموزش نحوه به‌کارگیری شایستگی‌ها و مهارت‌های کلیدی کمک خواهد نمود. مسئله مهم این است که مدیران و برنامه‌ریزان

آموزشی به اهمیت این موضوع و نقش مؤثر آن در تربیت نیروی انسانی متخصص واقف باشند و آن را یکی از ضرورت‌های دانشگاه در تربیت دانشجویان بدانند.

سپاسگزاری

References

۱. UNESCO. UNEVOC DIRECTORY, ۴۴۴۴.
۲. Getting a grip on mission – critical "soft skills": ۵ simple steps Written fir whattheythink.com, November ۴۴, ۹۹۹۹ available at: <http://www.printlink.com/>
۳. Fathi, N., Shabani, A., *Experimental Models for Future Managers*. Morvarid Press. p ۲۲. [In Persian]
۴. Kearns, P. *Generic Skills for the New Economy*. Australia: NCVER, ۱۱۱۱.
۵. Eeini, A., *Soft skills and general skills*. Developing Technical and Training Education, ۱۱۱۱, Vol ۲ (۷). Pp ۴-۷. [In Persian]
۶. Ebtekar, T., *Importance of applied education*. Iranian Journal of Engineering Education, ۹۹۹۹, Vol ۲ .p.۷۷. [In Persian]
۷. Rezvani, M., Binaghi, T., An evaluation of educational needs assessment models and curriculum design for applied educational programs in Islamic Republic of Iran, ۹۹۹۹, p.۸۸. [In Persian]
۸. Gokman, S., *The Effects of Cooperative Learning on Learning Outcomes & Reactions to Training in an In-Service Training Course*, Middle East Technical University, ۹۹۹۹.
۹. Galowy, L., Anderson, L., Brown, W., & Wilson, L., *Enterprise Skills for the Economy*. Education & Training, ۲۰۰۵, (۸۸). P.p. ۶۶-۷۷.
۱۰. Pourkarimi, J. Ghazee, A. *The model for specialized training in Red Crescent Society*. Quarterly Scientific Journal of Rescue & Relief, ۱۱۱۱, Vol (۴) ۴. Pp. ۱-۶۶. [In Persian]
۱۱. Dehghani, M. Zarea, S., Bazrafkan, L., Amini, M., *Developing in curriculum by DACUM model*. Strides in Development of Medical Education. ۴۴۴۴, No.۳. [In Persian]
۱۲. Ahmadi, B. *Teaching Entrepreneurial in student*. Tehran University. Faculty of Education, ۶۶۶۶, P.۸۸. [In Persian]



The Study of students' viewpoint of learning competencies and skills key during courses

(Case study: Iran Helal Institute of Applied-Science & Technology)

Corresponding author: Farzaneh Haji Heidari, PhD in higher education management

Email: fheiday^{٩٤}@yahoo.com

Samira Soleimani, MA in education management

Received: April ٢٩, ٢٠١٦

Accepted: August ٩, ٢٠١٦

Abstract

Background: Creating an educational system with ability to training people for future is the most important duty in modern society. Universities play a significant role in order to educate people with key competencies and skills in the changing environment. This research aims to identify the viewpoint of students about learning these skills while studying at the universities.

Method: In this applied and cross-sectional survey, about ٢٢٨ students from all (٥٦٠) were selected and studied randomly in Iran Helal Institute of Applied-Science & Technology. Data were collected by using self-administrated questionnaire and Cronbach's alpha (٠/٨٢). Then, the obtained information was analyzed by using SPSS-١٥, one sample t-test and two independent samples t. (sig=٠/٠٥)

Findings: The results indicate that the scores of all parameter of key competencies and skills were lower than average and the difference was significant. The participants believed that there is no special program for learning these skills during courses based on fourfold pillar of key competencies. Also, there is not a significance differences between the viewpoint of freshman and sophomores with junior and seniors.

Conclusion: The results are as follows: in intellectual competencies dimension, there no enough attention to learn skills like analytical ability, decision-making ability, abstract thinking, and strategic programming. In personal competencies dimension, university is unsuccessful to learn abilities such as accountability, versatility, acceptable performance. In interpersonal competencies dimension, there is no plan to learn abilities like oral communication, collaborative skills, positive thinking. Also, in management competencies dimension, paying attention to learn ability like working under pressure, problem solving, leadership and persuasion are needed.

Keywords: key competencies and skills, higher education, applied-science education